

آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی

دکتر یوسف باقری حامد*

چکیده

آموزش و حق بر سلامت و بهداشت عمومی موضوعات به هم پیوسته‌ای هستند که یکی بدون دیگری قابل تصور نخواهد بود. به موجب ماده ۱۴ پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ دولت‌ها متعهد شده‌اند تدابیر لازم را پیرامون اجرای کامل آموزش حقوق بشر اتخاذ نمایند و در صورت عدم اجراء، مرتکب نقض تعهد بین‌المللی خواهند شد. از اینرو با عنایت به اهمیت و جایگاه آموزش در نظام بین‌الملل حقوق بشر می‌توان چنین اذعان نمود که بهره‌مندی از سایر حقوق بنیادین بشری نظیر حق بر سلامت و بهداشت عمومی در برخورداری از آموزش حقوق بشر امکان‌پذیر خواهد بود. پژوهش حاضر بصورت یک مطالعه موردی انجام شده و هدف از نگارش آن تبیین مفهوم و ابعاد تحت پوشش آموزش حقوق بشر در حوزه سلامت و بهداشت عمومی می‌باشد. سوال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است، این امر است که با توجه به تحولات اخیر، در فرآیند ورود این حق به نظام بین‌المللی حقوق بشر، رویکرد دولت‌ها در ارتباط با حق مزبور باید حق محور باشد یا درمان محور؟ فرضیه ما حاکی از آنست که رویکرد دولت‌ها در خصوص سلامت و بهداشت عمومی و آموزش آن، حق محور می‌باشد. لذا عدم توجه به آموزش سلامت و بهداشت عمومی می‌تواند منجر به آسیب‌های شدید اجتماعی در جوامع انسانی شود. بنابراین، دولت‌ها بایستی با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی، ظرفیت‌های اجرایی خود را جهت بهره‌مندی افراد جوامع از چنین حقی افزایش دهند. روش انجام پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی با گردآوری منابع است.

کلیدواژگان

آموزش حقوق بشر، حق بر سلامت و بهداشت عمومی، توسعه پایدار، رویکرد حق محور.

* نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران. /
ایمیل: yusef.bagheri@yahoo.com

دیباچه

از زمان گسترش آزادی‌های اشخاص در اثنای دوران روشنگری و ظهور آموزش علمی، تئوری‌های آموزشی بسیاری مطرح گردیده است. در واقع، برای اولین بار از زمان ژان ژاک روسو، آزادی اراده فرد به عنوان مهمترین هدف آموزش اعلام شده است (Christie, 2010: 5). بسیاری از تئوری‌ها بر روی این پرسش متمرکز شده‌اند که چگونه می‌توان به این هدف رسید. به نظر می‌رسد آموزش حقوق بشر فرآیندی باشد که در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها حاکمیت پیدا نموده و با تقویت شناخت و قابلیت‌های افراد و همچنین تصحیح همزمان نگرش و رفتار آنها در جهت حمایت از حقوق بشر گام بر می‌دارد. در واقع، یک وفاق جمعی رشد یافته‌ای وجود دارد که اعلام می‌دارد؛ هدف اصلی در آموزش حقوق بشر، توانمندی افراد در رسیدن به تکامل آزادانه شخصیت و کرامتشان برای مشارکت فعال در یک جامعه آزاد و همچنین کمک به اجرا و رعایت حقوق مذکور می‌باشد. لذا حقوق بشر بدون آنکه به شکل فراگیر آموزش داده شود، بی معنا خواهد شد و در سطح حقوق شناخته شده در اسناد باقی خواهد ماند (Christie, 2010: 6-8).

سازمان ملل متحد پس از هنجارسازی‌های صورت گرفته در زمینه حقوق بشر به این نتیجه رسید که زمان انتشار این دانش و عمل به آن فرا رسیده است، لذا حرکت خود را به سمت شناسایی حقی تحت عنوان آموزش حقوق بشر آغاز نمود. البته باید توجه داشت که حق بر آموزش حقوق بشر بر خلاف حق بر سلامت و بهداشت عمومی، حقی بنیادین محسوب نمی‌شود؛ لکن برای بهره‌مندی از حقوق بنیادین بشری، برخورداری از آموزش حقوق بشر ضروری است، زیرا بدون توجه به آموزش حقوق بشر، زمینه شناسایی سایر حقوق مسلم برای افراد انسانی فراهم نخواهد گردید.

بنابر این، شهروندانی که از حقوق خود و دیگران آگاه نباشند، قادر به مطالبه و استیفای حقوق خود نخواهند بود. باید توجه داشت برای داشتن جامعه‌ای توانمند، تأکید به آموزش حقوق بشر امری ضروری و غیرقابل اجتناب است. تاکنون تعاریف متعددی از آموزش حقوق بشر صورت گرفته است، لکن تعریف واحدی از آن در متون حقوق بشر وجود ندارد. با وجود این، مفهوم و اهداف آموزش حقوق بشر تا اندازه‌ای موارد یکسانی را در بر می‌گیرد (Eslami, Reza & et.al, 2014: 12).

در ارتباط با پیشینه تحقیق در محدوده پژوهش‌های نگارنده در این زمینه، تاکنون بصورت مستقیم در این خصوص پژوهشی در داخل کشور صورت نگرفته، اما در خارج از کشور در خصوص حق مزبور و اهمیت آن، فعالیت‌های گسترده‌ای توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته است که به صدور اعلامیه‌ها و همچنین روش‌های اجرای آموزش سلامت و بهداشت عمومی منجر شده است. استفان مارکس در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق بشر برای توسعه»

محدودیت‌های آموزش حقوق بشر در حوزه سلامت و بهداشت عمومی را در خصوص منکرین این حق بشری برای حفاظت از حق مذکور ضروری می‌داند. او در این مقاله بیان می‌دارد: «آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی در ارتباط و تعامل با یکدیگرند، چراکه ارتباط موثری میان موضوعات حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد» (Marks, 2005:12). مایکل سینگر نیز در کتاب خود تحت عنوان آینده حقوق بین الملل بشر، حق بر آموزش را حقی تخطی ناپذیر و غیر قابل سلب می‌داند که اساسی‌ترین هدف آموزش حقوق بشر برای نیل به سلامت و بهداشت عمومی الزام دولت‌ها و جوامع مدنی و افراد به تأمین حق مزبور از طریق ایجاد شرایط و زیر ساخت‌های لازم جهت تحقق کامل و همه جانبه‌ی این حق خواهد بود (Singer, 1997:11). از سوی دیگر، مجمع عمومی ملل متحد سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام نمود و آن را فراتر از تهیه اطلاعات دانست، بطوری که احترام به کرامت انسان‌ها را که ارتقای سطح سلامت و بهداشت عمومی افراد نمونه‌ای از آنست لازمه جوامع دموکراتیک اعلام نمود. از نظر نگارنده ارتباط بسیار نزدیکی میان آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی وجود دارد. رویکردی که از آن به حق محوری تعبیر می‌نماید که در هیچ یک از متون اخیر الذکر بدان اشاره‌ای نشده است. در این رویکرد تأکید می‌گردد که توسعه حوزه سلامت و بهداشت عمومی می‌بایست به وسیله آموزش حقوق بشر در زمینه یاد شده انجام پذیرد، چراکه در این روش به جای اتخاذ سیاستی در قبال نقض‌های حقوق بشری، الزام دولت‌ها بر تحقق حقوق مزبور از جمله حق بر سلامت و بهداشت عمومی برای شهروندان تنها از طریق آموزش حقوق بشر مورد تأکید است.

مقاله حاضر به دنبال بررسی نقش آموزش در تضمین حق بر سلامت و بهداشت عمومی در نظام بین-المللی حقوق بشر است. رویکرد دولت‌ها با عنایت به ارتباط میان آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی در راستای حق مزبور باید حق محور باشد یا درمان محور؟ پرسش کلیدی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود. برای پاسخ به این پرسش بایستی چگونگی و میزان ورود آموزش حقوق بشر در حوزه سلامت و بهداشت عمومی افراد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به همین منظور، این پژوهش در سه بخش تدوین گردیده است؛ مبحث اول، به بررسی مفهوم آموزش حقوق بشر می‌پردازد تا از این طریق، ارتباط میان آموزش حقوق بشر در تضمین حق بر سلامت و بهداشت عمومی نشان داده شود. مبحث دوم، به تحلیل جایگاه آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر اشاره می‌کند که به صراحت بر اهمیت اجرای این حق با توجه به همکاری دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل بشر دلالت دارد. نهایتاً در مبحث سوم با توجه به منابع حقوق بین‌الملل، راهکارهای توسعه پایدار از طریق تأمین حق بر سلامت و بهداشت عمومی تبیین می‌گردد.

¹ - GA Res.48/127,48Sess.

۱- مفهوم آموزش حقوق بشر

در ارتباط با مفهوم آموزش حقوق بشر، علاوه بر اقدامات صورت گرفته توسط سازمان ملل متحد، سازمان‌های مردم‌نهاد نیز ورود داشته‌اند. بررسی مفاهیم ارائه شده توسط چنین نهادهایی برای فهم بهتر معنای آموزش حقوق بشر ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی، مفاهیمی که توسط سازمان ملل متحد ارائه شده است و نیز کنفرانس‌هایی که از طریق سازمان مزبور در این راستا تشکیل شده است؛ تا حد زیادی به اهداف آموزش حقوق بشر، ارتباط پیدا می‌کند. در واقع، این تعاریف به نقش آموزش حقوق بشر در ایجاد صلح، ثبات و نظم اجتماعی تأکید دارند. بنا بر این، در تبیین مفهوم آموزش حقوق بشر می‌توان آن را به مجموع فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی تعریف کرد که با هدف ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر از طریق اشاعه دانش، تعلیم مهارت‌ها و شکل‌دهی به نگرش‌های صورت گرفته، پرداخته است. لذا می‌توان ادعا نمود که هدف اصلی سازمان ملل متحد در اهمیت بخشی و توجه به آموزش حقوق بشر به دلیل کارکرد آن در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و دوری از خشونت بوده است.^۲

در این دسته از تعاریف، آموزش و یادگیری محتوای اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و همچنین، مذاکرات نهادهای بین‌دولتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. نکته قابل توجه دیگر در این خصوص، آنست که نظارت بر اجرای آموزش حقوق بشر جزئی از تکالیف دولت‌ها دانسته شده است. به عبارت دیگر، از آنجا که آموزش حقوق بشر ابزاری برای رسیدن به منافع اجتماعی است، لذا دولت‌ها بایستی مسئولیت آموزش این حق را بر عهده داشته باشند.

از سوی دیگر، در تشریح مفهوم آموزش حقوق بشر توسط سازمان‌های مردم‌نهاد نیز همانند دسته قبل بر نتیجه آموزش حقوق بشر تأکید شده است، لکن نهادهای مذکور به طور روشن، برآوردهای متفاوتی را نسبت به نهادهای دولتی از آموزش حقوق بشر در نظر دارند. با وجود اینکه، از دیدگاه سازمان‌های مردم‌نهاد؛ محدوده اختیار دولت‌ها باید در تبیین «منافع اجتماعی»^۳ بصورت دقیق تعیین شود، آموزش حقوق بشر نیز بایستی به وسیله‌ای برای تغییر در اجتماع تبدیل گردد. در نتیجه، برای محدود نمودن قدرت دولت و حمایت از افراد در برابر قدرت، فعالان انجمن‌های مردم‌نهاد حتی بیشتر از نهادهای آکادمیک بر جنبه آموزشی حقوق بشر تأکید دارند (Gerber, 2011:4-6).

بنا بر این، در این دسته از تعاریف، به نقض حقوق بشر و توانایی بالقوه آموزش حقوق بشر در توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر توجه بیشتری شده است. در نتیجه، آموزش حقوق بشر را

^۲ - https://download.eiie.org/Docs/WebDepot/2016_RigaSymposium_BackgroundPaper_EN.pdf, Last visited 2019/1/4

^۳ - Social benefits

می‌توان تلاشی برای انتشار و اطلاع رسانی به قصد ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر از طریق بهره‌مند ساختن افراد از انواع مهارت‌ها و شکل دادن به نگرش‌ها و همچنین ارائه آموزش‌های مستمر نسبت به «گروه‌های مخاطب خاص»^۴ با استفاده از روش‌های ویژه در جهت ایجاد آگاه‌سازی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی افراد انسانی تعریف کرد.

آموزش به افراد نسبت به حقوق خود در مرحله آگاه‌سازی صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که چنانچه افراد به حقوق خود مطلع نباشند، قادر به مطالبه آن نخواهند بود. طی مرحله ظرفیت‌سازی، افراد می‌توانند علاوه بر حقوق خود، نسبت به رعایت حقوق دیگران نیز حساس و مسئول باشند. در واقع، در بسیاری از موارد، هر چند افراد از حقوق خود آگاهی دارند، لکن نسبت به حقوق سایر شهروندان بی تفاوت هستند. لذا در آموزش حقوق بشر، افراد نه تنها از حقوق خود مطلع می‌شوند، بلکه لازم است حقوق دیگران نیز برای آنها حایز اهمیت باشد. در نهایت، در جهت ایجاد توانمندی، افراد تشویق می‌شوند تا در رابطه با حقوق خویش و دیگران وارد عرصه‌ی عمل شوند و آموزه‌های خود را به منصفه ظهور رسانند (Bowring, 2012: 58).

۱-۱- اهداف آموزش حقوق بشر

آموزش حقوق بشر باید در راستای تکامل کامل شخصیت انسان‌ها و تقویت احترام به حقوق افراد و آزادی‌های بنیادین بشری جهت گیری شود. آموزش بایستی تفاهم، مدارا و صلح را در میان تمامی ملل و گروه‌های مذهبی و نژادی ترویج نماید و به فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح کمک کند.^۵ این اهداف پایه‌ای آموزش، که در تعدادی از پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته‌اند، در ابتدا بدون هیچ گونه تغییری در قسمت الف بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض در آموزش ۱۹۶۰ یونسکو مطرح شدند.^۶

^۴ - منظور از گروه‌های مخاطب خاص؛ زنان، کودکان، سالمندان، معلولین و کارگران هستند که آموزش حقوق بشر بویژه در حوزه سلامت و بهداشت عمومی از دو طریق می‌تواند حاصل شود. ۱- دانش لازم در موضوع مطروحه بایستی به افراد داده شود. ۲- افراد باید از تفکر نقادی بهره‌مند شوند تا به صرفه‌القا، موضوعات را نپذیرند. لذا آموزش حقوق بشر سعی دارد از دو روش مذکور به افراد در جهت شناسایی حقوق خود نظیر حق بر سلامت و بهداشت عمومی، نهادها و مفاهیم مرتبط با آن کمک نماید. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (Mehrpour, 2009: 35-37).

^۵ - بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می‌دارد: «هر کس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند». برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (Ansari, 2009: 45).

^۶ - Article 5 from Convention against Discrimination in Education 1960 refer that: "1. The States Parties to this Convention agree that: a) Education shall be directed to the full development of the human personality and to the strengthening of respect for human rights and fundamental freedoms; it shall

در بند ۱ ماده ۱۳ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از فرمول مشابهی استفاده شده است و تقویت کرامت انسانی و توانمند سازی تمامی افراد برای مشارکت مؤثر در یک جامعه آزاد به اهداف پیمان‌نامه اضافه شده است.^۷ در حالی که ماده ۱۲ اعلامیه امریکایی ۱۹۶۹ در ارتباط با حقوق و تکالیف افراد فقط اظهار می‌دارد که حق آموزش بایستی براساس اصول آزادی اخلاق و همبستگی انسانی باشد و هر فردی را برای به دست آوردن یک زندگی شرافتمندانه آماده نماید، استانداردهای زندگی را بالا ببرد و در نهایت فرد مفیدی برای جامعه باشد.^۸

بند ۲ ماده ۱۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (پروتکل سان سالوادور) در تبعیت از فرمول سازمان ملل متحد، اهداف تقویت احترام به کثرت‌گرایی ایدئولوژیک، عدالت و صلح را به اهداف خود اضافه نموده است. لذا به جای مشارکت در یک جامعه آزاد، این ماده صحبت از یک جامعه کثرت‌گرا و دموکراتیک می‌کند که در آن شخص باید به صورت مؤثر مشارکت داشته و به یک زندگی شرافتمندانه دست یابد (Kalantry & et.al, 2010: 260-261).

در سند ۲۰۳۰ یونسکو، آموزش که هدف چهارم از دستور کار مذکور را تشکیل می‌دهد،

promote understanding, tolerance and friendship among all nations, racial or religious groups, and shall further the activities of the United Nations for the maintenance of peace.”

^۷ - بند ۱ ماده ۱۳ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد: «کشورهای طرف این پیمان‌نامه حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید». برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: (Dixon, 2018: 497-499).

^۸ - Article 12 from American Convention on Human Rights 1969 refer that: “Everyone has the right to freedom of conscience and of religion. This right includes freedom to maintain or to change one’s religion or beliefs, and freedom to profess or disseminate one’s religion or beliefs, either individually or together with others, in public or in private. 2. No one shall be subject to restrictions that might impair his freedom to maintain or to change his religion or beliefs. 3. Freedom to manifest one’s religion and beliefs may be subject only to the limitations prescribed by law that are necessary to protect public safety, order, health, or morals, or the rights or freedoms of others. 4. Parents or guardians, as the case may be, have the right to provide for the religious and moral education of their children or wards that is in accord with their own convictions”.

نقش محوری در تحقق سایر اهداف سند از جمله حق بر سلامت و بهداشت عمومی برای توسعه پایدار دارد.^۹ تضمین آموزش با کیفیت، برابر، فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه از مهمترین اهدافی است که در ارتباط با آموزش حقوق بشر مورد تأکید سند مذکور قرار گرفته است. بر این اساس، دولت‌ها متعهد شده‌اند از تمامی ابزارها برای تحقق اهداف مطروحه استفاده نمایند. به نظر می‌رسد چندین اصل بنیادی برای تحقق آموزش سلامت افراد باید در نظر گرفته شود. اصولی نظیر گسترش دسترسی به آموزش با کیفیت و رایگان و حتی اجباری برای همه، برابر سازی فرصت‌های آموزشی برای دختران و پسران با نظارت کامل نهادهای دولتی.^{۱۰}

در نتیجه، مسئولیت اصلی در آموزش حقوق بشر از حیث تدوین قوانین بر عهده دولت‌ها است. در این میان، جوامع مدنی، معلمان و اساتید و خانواده‌ها نیز نقش مهمی در به رسمیت شناختن حق اقشار مختلف جامعه در بهره‌مندی از آموزش با کیفیت دارند. لذا آموزش حقوق بشر می‌تواند وسیله و راهی برای نیل به اهداف والای منشور ملل متحد و نیز موضوعات مورد تأکید توسعه اجتماعی دانسته شود، چرا که تأمین این حق می‌تواند خروجی‌های سودمند گوناگونی نظیر بهبود وضعیت سلامت و بهداشت آحاد مردم، کاهش سرعت رشد جمعیت، تقویت دموکراسی و بسیاری دیگر از ابعاد توسعه و امنیت بین‌المللی را در بر گیرد (White, 2015: ۱۰۵). بنابراین، آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی تأثیر عمیق، پیچیده و گسترده‌ای بر هم دارند، بطوری که در رابطه دو سویه میان دو موضوع مورد بحث، از طرفی بهبود سطح سلامت و بهداشت عمومی در راستای تثبیت آموزش می‌کوشد و کیفیت آموزش حقوق بشر را ارتقا می‌بخشد؛ و در سوی دیگر این رابطه، آموزش باعث ارتقای سطح توسعه یافتگی به لحاظ سلامت و بهداشت عمومی در جوامع انسانی می‌شود، چرا که درک و شعور انسانی و اجتماعی را در ارتباط با انواع حق‌ها و آزادی‌های مرتبط با موضوع سلامت و بهداشت بالا برده و افراد را در برخورداری از حق مزبور توانمند می‌سازد و از این طریق باعث دگرگونی فرهنگی‌ها می‌شود، صلح می‌آفریند و این همان جریانی است که توسعه پایدار را به دنبال خواهد داشت.

۱-۲- اهمیت حق بر آموزش حقوق بشر در حوزه سلامت و بهداشت عمومی

در نظام بین‌الملل حقوق بشر به مقوله کسب آموزش و اطلاعات مفید علمی و تخصصی اهمیت زیادی قائل شده‌اند، بطوری که در قالب کنفرانس‌ها و کمیسیون‌های متعدد به امر

^۹ - <http://www.unesco.se/wp-content/uploads/2015/12/Framework-for-Action-2030.pdf> Last Visited 2019/2/10

^{۱۰} - http://applications.emro.who.int/dsaf/emrpub_2012_en_1362.pdf, Last Visited 2019/2/10.

آموزش، خصوصاً در ارتباط با مسائل پزشکی و مراقبت‌های درمانی و بهداشتی و همچنین راه‌های کسب علم و فنون مبارزه با انواع بیماری‌های مسری پرداخته شده است. در پیمان‌نامه‌های حقوق بشر از حقوق مربوط به پژوهش و کسب اطلاعات به لحاظ اینکه چنین حقوقی برای تحقق حقوق انسان‌ها لازم است، حمایت شده است. اطلاعات، شامل خدمات بهداشتی و درمانی است که بنا به اختیار یا اجبار، توسط مقامات مسئول سلامت در اختیار افراد انسانی بایستی گذاشته شود (White, 2015: 107).

حق آموزش برای تأمین هدف سلامت فردی و عمومی لازم است؛ افراد با سواد به دلیل توانایی خواندن و درک خطراتی که متوجه سلامتی آنهاست و چگونگی پیشگیری از این خطرات، راحت‌تر به اطلاعات سلامتی دسترسی دارند. بنابر این، آموزش مرتبط با سلامت و بهداشت عمومی و به کارگیری افراد حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیر، موجب ارتقاء سطح سلامتی افراد در جوامع انسانی خواهد گردید. از آنجائیکه برای توسعه پایدار، آموزش حقوق بشر ضروری است؛ لذا دستیابی به این مفهوم بدون مهارت آموزی و افزایش آگاهی عمومی ناممکن است (White & et.al, 2008: 1251-53).

مقوله آموزش باید در کانون آیین‌های بهبود کیفیت زندگی قرار گیرد تا از این رهگذر شانس نسل‌های بعدی برای بهزیستی اجتماعی افزایش یابد. پس، آموزش موضوعی است که به درستی در رابطه با توسعه پایدار مد نظر قرار گرفته است و توسعه اجتماعی لزوماً می‌بایست از ارکان این نوع توسعه محسوب گردد.

سلامت و بهداشت عمومی، زمانی ارتقا می‌یابد که افراد، خودشان در برنامه‌ریزی، اجرا و پرداختن به مسائل بهداشتی، مشارکت نمایند. هدفی که سازمان جهانی بهداشت و تمام دولت‌های عضو این سازمان در نظر دارند. همانگونه که در بالا اشاره گردید - بهداشت برای همه است. این هدف متعالی، زمانی قابل دستیابی است که کارکنان بهداشتی و درمانی و شهروندان به نحوی مؤثر با یکدیگر همکاری کنند. در اینجا است که اهمیت آموزش در برقراری حق بر سلامت و بهداشت عمومی تبلور می‌یابد (White & et.al, 2013: 301-302). این مسئله همچنین برای اجرای موفقیت آمیز ساز و کارهای نظارتی بین‌المللی در هنگام نقض حقوق بشر صادق است. بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، عملاً موجد حق بر آموزش حقوق بشر می‌باشند. قواعد راجع به آموزش حقوق بشر و حتی انتشار اطلاعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از پیمان‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. با تصویب اعلامیه وین در ۱۹۹۳ م.^۱ و همچنین اعلام

^۱ - با توجه به اینکه از ابتدا ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در اولویت جامعه جهانی قرار گرفته است و کنفرانس جهانی حقوق بشر فرصتی منحصر به فرد برای انجام تجزیه و تحلیل جامع از نظام بین‌المللی حقوق بشر و ساز و کارهای لازم برای حمایت از حقوق بشر فراهم نموده است، به منظور تقویت ترویج رعایت کامل این حقوق، به

سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۶م. به عنوان دهه آموزش حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد، مقررات اساسی اسناد حقوق بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید.

۲- حق بر آموزش حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و محتوای آن

تمامی آموزش‌هایی که به دانش، مهارت و ارزش‌های حقوق بشری مربوط می‌شوند، جزئی از آموزش حقوق بشر هستند. این تعریف عام، محتوای وسیع و مفاهیم بنیادینی را در برمی‌گیرد که صرف نظر از مخاطب آن، باید در خود آموزش نیز مورد توجه قرار گیرد. البته تشریح تاریخچه‌ای از حقوق بشر نظیر مبارزه برای تحقق حقوق مدنی و سیاسی و جدال برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌تواند آغازی بر آموزش حقوق بشر باشد (۱۴: ۲۰۰۵: Rezaei). بنابر این، لازم است به هر گروه هدف و هر مخاطب خاص، مطالب مشخصی آموزش داده شود؛ لکن برخی از موارد در تمامی دسته‌های مخاطب یکسان هستند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر از جایگاه ویژه‌ای در آموزش حقوق بشر برخوردار است. این اعلامیه در مرکز تمامی آموزش‌های حقوق بشر قرار دارد. فهم دقیق اعلامیه، پیش‌زمینه‌ی مناسبی را جهت ورود به آموزش حقوق بشر فراهم می‌آورد. اصول مهم اعلامیه از قبیل برابری، منع تبعیض، جهانشمولی، به هم پیوستگی و حتی مسئولیت باید به همه مردم آموزش داده شوند و به افراد کمک شود تا آنها را وارد زندگی روزمره خود کنند (۱۳۳: ۲۰۰۷: Navab Daneshmand).

ارزش‌ها و مهارت‌های حقوق بشری نیز باید در هنگام آموزش حقوق بشر مورد توجه قرار گیرند. در آموزش حقوق بشر، به منظور استفاده از آگاهی برای تغییر مؤثر، لازم است هم رویکردهای نظری و هم مهارت‌های عملی به نهادها و افراد آموزش داده شود. لذا آموزش حقوق بشر در نظر دارد تا با ترویج ارزش‌ها و تقویت عقاید و رفتارها، افراد را نه تنها نسبت به حقوق خود؛ بلکه نسبت به رعایت حقوق دیگران نیز حساس نماید. با این حال، لازم است با توجه به این دیدگاه که حقوق بشر، هنجارها و موازینی را برای زندگی روزمره مقرر می‌دارد تا هر فردی به صرف انسان بودن از آن برخوردار شود؛ لذا شناسایی حقوق نقض شده و نیز حقوق حمایت شده، برای آموزش حقوق بشر ضروری است (۱۳۴: ۲۰۰۷: Navab Daneshmand).

بنابر این، آموزش مقوله‌ای است که به درستی در رابطه با توسعه پایدار مدنظر قرار گرفته است و توسعه اجتماعی لزوماً می‌بایست از ارکان این نوع توسعه بشمار آید. در بررسی جایگاه حق بر سلامت و بهداشت عمومی در حقوق توسعه می‌توان ادعا کرد که حق مزبور بدون شک

شیوه‌ای صحیح و متعادل و تأکید بر اینکه تمام حقوق بشر از شأن و ارزش ذاتی فرد انسان حاصل می‌شود و فرد انسان موضوع اصلی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است، اعلامیه وین در ۱۹۹۳ میلادی به تصویب دولت‌ها رسید.

یکی از حقوق شناخته شده‌ای است که تأثیر مهم و غیرقابل انکاری بر تحقق توسعه دارد. چنان که می‌دانیم توجه به فاکتور امید به زندگی در هنگام تولد یکی از عمده شاخص‌های سنجش میزان دستیابی به توسعه انسانی در کشورهای مختلف نظام بین الملل است که نوعی ارزیابی کلی از وضعیت بهداشت جوامع محسوب می‌شود و در کل، سلامت و بهداشت به عنوان یکی از سه عامل تأثیرگذار در کنار آموزش و درآمد، وقوع توسعه انسانی را می‌سور می‌گرداند.^۱

علاوه بر این در سند راهنمای بسیار مهمی همچون دستور کار ۲۰۳۰ یونسکو رد روشنی از اهمیت حق بر بهداشت در اهداف مورد توافق توسعه مشاهده می‌شود. طرح مباحث مربوط به ویروس ایدز یا ابولا و غیره موضوعات اصلی تعهدات دولت‌ها نسبت به حق بر سلامت و بهداشت عمومی بشمار می‌آیند که جزئی ضروری از توسعه اجتماعی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر به واسطه اینکه حق بر سلامت و بهداشت عمومی تأثیر انکار ناپذیری بر کیفیت زندگی افراد دارد و شدیداً بر کارکرد سایر فاکتورهای توسعه اجتماعی مؤثر است، می‌تواند از عمده شاخص‌های توسعه پایدار به شمار آید.

۲-۱- اسناد جهانی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار می‌دارد که هر فرد و سازمانی، بایستی از طریق تدریس و آموزش برای ترویج احترام به حقوق و آزادی‌های مقرر در اعلامیه مذکور تلاش نماید.^۲ بند ۱ ماده ۱۳ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر پیرامون حق بر آموزش دارای وجه مشترکی است و اهمیت بیشتری به ترویج احترام در ارتباط با کرامت انسانی، مشارکت شهروندان در یک جامعه آزاد، قائل شده است. مفاد ماده ۱۳ پیمان‌نامه نظیر آنچه در بند ۱ ماده ۲ از آن مقرر شده، منوط به تحقق تدریجی حقوق یاد شده است (Willmore, 2004: 83-84).

^۱ - <https://www.humanium.org/en/right-to-education/> Last Visited 2019/2/10.

^۲ - در ارتباط با احترام به حقوق و آزادی‌های بشری در بند ۲ از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه صلح، تسهیل نماید». این امر در قطعنامه ۲۱۷ مجمع عمومی ملل متحد تحت عنوان تبلیغ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م. در غالب توصیه به دولت‌ها مورد تصدیق واقع شده است. رجوع کنید به:

Gundmundur Alfredsson and Asbjorn Eide The Universal Declaration of Human Rights: a common standard of achievement, The Hague; Boston: Martinus Nijhoff Publishers; Cambridge MA: Sold and distributed in North, Central, and South America by Kluwer Law International, 1999, P.170

در ماده ۱۰ کنوانسیون محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹م، دولت‌های عضو به عنوان بخشی از اقدامات خود برای تضمین حقوق برابر زنان با مردان در حوزه آموزش موافقت نمودند تا از طریق اصلاح کتب درسی و برنامه‌های مدارس و تطبیق روش‌های تدریس شان؛ بر اساس اصل تساوی در تمام سطوح و صور آموزش، زنان و مردان را بهره‌مند سازند.^۱

اعلامیه ۱۹۷۸ یونسکو پیرامون تبعیض نژادی و قومی، آکنده از مقررات متعدد در خصوص آموزش حقوق بشر بوده و جزئیاتی به آن افزوده که در سایر اسناد دیده نمی‌شود. در ماده ۵ اعلامیه مذکور بعد از بیان اینکه فرهنگ و آموزش در یک معنای وسیع، ابزارهای مؤثری را به مردان و زنان برای تصدیق اینکه آنها با حقوق و شأن برابری متولد شده‌اند و همچنین برای به رسمیت شناختن حق همه گروه‌ها نسبت به هویت فرهنگی شان ارائه می‌نماید، در جای دیگری به بیان تعهدات دولت‌ها در راستای حق بر آموزش حقوق بشر می‌پردازد و اشعار می‌دارد که دولت‌ها مطابق با اصول و رویه‌های قوانین اساسی و دیگر اختیارات صلاحیتی شان، مسئولیت در اعمال چنین تکلیفی را دارند که منابع آموزشی خود را باید برای مبارزه با نژادپرستی به کار گیرند، خصوصاً با اطمینان یافتن از این که دوره تحصیلی و کتب درسی در برگیرنده ملاحظات علمی و اخلاقی درباره یگانگی کرامت انسانی باشد و اینکه هیچ تبعیض خاصی درباره هیچ انسانی نبایستی صورت گرفته شود و از طریق آموزش معلمان برای رسیدن به این اهداف در جهت اصلاح وضعیت نامطلوبی که از آن، بعضی گروه‌های خاص قومی و نژادی در رابطه با سطح آموزش و استاندارد زندگی شان رنج می‌برند، اقدامات ضروری را انجام نمایند.^۲

نهایتاً چارچوب سند ۲۰۳۰ آموزش توسط ۱۸۴ دولت عضو یونسکو در سال ۲۰۱۵م. به تصویب رسید. هدف از نگارش سند مزبور، تعیین نحوه ی اجرای توصیه‌های مندرج در بیانیه در سه حوزه ملی، منطقه‌ای و جهانی بوده است. به عبارت دیگر، هدف از تصویب این سند هماهنگ نمودن اقدامات دولت‌ها بر اساس اهداف توسعه پایدار به ویژه در خصوص آموزش حقوق بشر بوده است.

بنابر این، سند مذکور تعیین کننده خط‌مشی‌های جزئی‌تر در روند ریل‌گذاری فرهنگی و آموزشی دولت‌ها است و با نگرش مبسوط‌تری، هدف چهارم توسعه پایدار و چگونگی

^۱ - ماده ۱۰ اشاره به آموزش خانوادگی دارد که باعث یک درک شایسته‌ای از کارهای مادرانه به عنوان یک عملکرد اجتماعی و شناخت مسئولیت مشترک مردان و زنان در بزرگ کردن بچه هایشان می‌شود. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (Amir Arjmand, 2007: 175-176).

^۲ Portal.unesco.org/en/ev.phpURL_ID=13161&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html, LastVisited 2019/02/13.

اجرائی سازی آن را تشریح می‌نماید. لذا هر گونه تفکیک کمی و کیفی در امر آموزش از هر نظر می‌تواند تبعیض قلمداد شود و همه موانع موجود تا سال ۲۰۳۰ م. باید از میان برداشته شود؛ به علاوه دستیابی به هدف چهارم توسعه پایدار و سایر اهداف آن برای همه کشورها بایستی یکسان تلقی شود و نمی‌توان به بهانه کمتر توسعه یافتگی و عدم وجود زیرساخت یا تعارض قانونی و غیره از زیر آن شانه خالی نمود.

به بیان بهتر، سازمان یونسکو بر این باور است که تحقق اهداف آموزشی توسعه پایدار تنها از طریق گنجاندن محتوای آموزشی بند ۱ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک^۱ امکان پذیر خواهد بود. باید در نظر داشت که علیرغم توصیه‌ای بودن سند آموزش ۲۰۳۰، در تمام مفاد سند بر یکپارچگی و عدم انفکاک اهداف و چشم اندازهای آن تأکید شده و از سوی دیگر این دستورات عملی ها در راستای تحقق حقوق بشر و حق بر آموزش کیفی گنجانده شده است. لذا نمی‌توان به استناد حق شرط^۲ مهم یا تفاوت فرهنگی از اجرائی سازی آن در بلند مدت سرباز زد.^۳

علاوه بر این، می‌توان به بند ۳ ماده ۵ اعلامیه یونسکو راجع به رسانه‌های گروهی، بند ۲ ماده ۶ راجع به استفاده از آموزش و فرهنگ در رفع رویه‌های تبعیض آمیز و در ترویج انتشار دانش و یافته‌های تحقیقات؛ به بند ۳ ماده ۹ راجع به کمک و برنامه‌های وسیع آموزشی و تحقیقاتی و بند ۲ ماده ۸ در مورد نقش و مسئولیت های متخصصین در علوم اجتماعی؛ طبیعی و مطالعات فرهنگی و همچنین مؤسسات و انجمن های علمی، اشاره نمود.

۲-۲- اسناد منطقه‌ای

حق بر آموزش از یک وضعیت مطلوبی با تثبیت در تعدادی از اسناد منطقه‌ای حقوق بشر برخوردار است. در این خصوص سه اعلامیه صادر شده توسط کمیته وزیران شورای اروپا قابل

^۱ - در بند یک ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد. الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و تواناییهای ذهنی و جسمی کودکان ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل. ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزشهای ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، و به موطن اصلی کودک و به تمدنهای متفاوت با تمدن وی. د) آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروههای قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر. ه) توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی».

^۲ - Reservation

^۳ - http://www.unsiap.or.jp/e-learning/el_material/PSS/1810,LastVisited 2019/02/15.

اشاره است. در اعلامیه ۱۹۸۱، تعصب به مثابه‌ی تهدیدی علیه دموکراسی ارزیابی شده است. بر این اساس، دولت‌ها جهت افزایش آگاهی شهروندان‌شان نسبت به مقررات حقوق بشر و تضمین امکانات در یک جامعه آزاد و دموکراتیک، علاوه بر آموزش حقوق بشر، برای تشویق خلاقیت در مدارس از سطح ابتدایی به بالا با ایجاد جوّی آکنده از درک فعال و احترام به ویژگی‌ها و سایر فرهنگ‌ها باید تلاش وافر نمایند.

مقوله آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات در بند ب قسمت اجرایی اعلامیه ۱۹۸۲ مورد اشاره واقع شده است. به موجب بند فوق‌الذکر برای تشویق اعمال مؤثر آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، از طریق آموزش و تدریس، همکاری‌ها میان اعضا باید تقویت گردد. مجمع پارلمانی در توصیه شماره ۱۳۴۶/۱۹۹۷ و کمیته وزرا در تصمیم شماره ۶۷۶/۷۰۲ مورخ ژوئیه ۱۹۹۹م. به طور مستقیم به آموزش حقوق بشر اشاره کرده و خواهان برداشتن گام‌هایی در راستای اجرای بیشتر آن از سوی اعضا گردید!

علاوه بر این، در اعلامیه ۱۹۸۸ راجع به برابری زنان و مردان نیز بر روی اهمیت استراتژی‌های اطلاع‌رسانی و آموزش مردم به یک روش مناسب و آگاه ساختن مردم از بی‌عدالتی‌ها و اثرات مخرب نابرابری حقوق، رفتارها و فرصت‌ها تأکید شده است.^۱

مطابق با بند ۳ ماده ۷ منشور اروپا در مورد زبان اقلیت‌ها، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که در اقدامات مرتبط با اهداف آموزش و پرورش خویش، درک و تحمل زبان اقلیت‌ها و احترام به آن زبان‌ها را تقویت نمایند. در ماده ۸ منشور اروپا نیز مقررات روشن و گسترده‌ای در مورد استفاده از چنین زبان‌هایی مورد اشاره واقع شده است. تضمین تدریس تاریخ و فرهنگ زبان اقلیت‌ها نمونه‌ای از چنین ترتیباتی است (Jayasurya, 2010: 20).

نهایتاً در ماده ۲۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم، تعهدات دولت‌ها برای ترویج و تضمین حقوق و آزادی‌های مندرج در منشور یاد شده از طریق آموزش مشخص شده است. همچنین در بند ۲ ماده ۱۳ پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۸۸م. به کنوانسیون آمریکای حقوق بشر در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر شده است که آموزش بایستی باعث تقویت احترام به حقوق بشر عدالت، صلح و امنیت شود (Jayasurya, 2010: 20).

در نتیجه باید توجه داشت که آموزش حقوق بشر عامل پیشگیری از نقض آن خواهد بود و احترام به حقوق بشر و آزادی‌ها نیازمند وضع قواعد حمایتی و حتی ایجاد مکانیسم‌های بین‌المللی که در اسناد اشاره شده است، خواهد بود. لذا آموزش حقوق بشر تنها به فراگیری جنبه‌های نظری حقوق بشر بسنده نمی‌کند، بلکه در نظر دارد از طریق ترویج ارزش‌ها و تقویت عقاید و رفتارها،

^۱ - http://assembly.coe.int/committee/MON/Role_E.pdf Last Visited 2019/02/15

^۲ - <https://eurogender.eige.europa.eu/posts/declaration-equality-women-and-men-> Last Visited 2019/02/15

آگاهی شهروندان را از حقوق خود در جوامع انسانی ارتقاء دهد.

۳- محتوای آموزش حقوق بشر

اسناد حقوق بشر، بخش مهمی از محتوای آموزش این حقوق بشمار می‌آیند، چرا که تعلیم موضوعات روز حقوق بشری نوعاً از همین طریق صورت می‌گیرد. عموماً افراد تمایل دارند با موضوعات حقوق بشری ارتباط برقرار نمایند و به آن احساس تعلق پیدا کنند. لذا لازم است شهروندان موضوعات حقوق بشری را - همچون آموزش سلامت و بهداشت عمومی - دغدغه روزمره خود بدانند و آگاهی خود در دفاع از آن بالا ببرند. همچنین افراد نباید در خصوص احترام به حقوق برابر دیگران و حمایت از حقوق مزبور قصور نمایند.

در بررسی محتوای حق بر آموزش باید اذعان نمود که از حق مذکور در قالب یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی باید بر لزوم فراگیری آن به عنوان یک نهاد توانمندساز مورد تأکید واقع شود. از حیث حقوقی دولت‌ها متعهد هستند که تمامی حقوق اعلام شده در اسناد حقوق بشر را بدون هیچ‌گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، منشأ اجتماعی یا ملی، دارایی، تولد یا سایر وضعیت‌های اکتسابی تضمین نمایند. بنابر این، توانمندسازی در آموزش حقوق بشر فرآیندی است که به واسطه آن، کنترل اشخاص بر زندگی یا تصمیماتی که بر زندگی آنان تأثیرگذار است، افزایش می‌یابد.

لذا به نظر می‌رسد حق بر آموزش، حق - ادعایی است که لازمه آن وجود متعهد در طرف دیگر و ماهیت آن در برخی زمینه‌ها مانند عدم تبعیض در آموزش، تعهد به نتیجه فوری باشد، لکن از سوی دیگر می‌توان محتوای حق بر آموزش را یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و زمینه ساز تحقق توسعه پایدار دانست (Tomaevski, 2001: 29-30).

توجه به موضوع توسعه به عنوان فرآیندی چند بُعدی و فراگیر در اجلاس هزاره سازمان ملل متحد و اعلامیه هزاره به شدت تقویت و طی تلاش‌ها و اقدامات گسترده برای نیل به اهداف توسعه هزاره پیگیری شد. اندیشه توسعه پایدار نیز در سندی که در سال ۲۰۱۲م. با وفاق عام به تصویب رسید، جایگاه توسعه پایدار را به عنوان یکی از ابعاد جدایی ناپذیر پروسه توسعه اجتماعی مجدداً مورد تأیید قرار داده و تثبیت نمود.

توسعه پایدار به عنوان رویکردی خاص از حق بر توسعه، فرآیندی از تغییراتی است که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که بر مبنای برابری و مشارکت صورت گرفته و هدف از آن، ساخت جامعه‌ای برای همه می‌باشد. بنابر این، به لحاظ محتوایی، آموزش حقوق بشر نه تنها به حفظ و گسترش صلح می‌انجامد، بلکه می‌توان چنین ادعا نمود که تثبیت صلح و توسعه پایدار از طریق آموزش، تبلیغ و گسترش فرهنگ

رواداری میان افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی امکان‌پذیر است (Eslami, Reza & et.al, 2014: 181-183).

۳-۱- حق بر آموزش لازمه توسعه پایدار

علیرغم تأکید جامعه بین‌المللی بر ضرورت توسعه پایدار، چگونگی تحقق این امر و مؤلفه‌های آن به صورت هماهنگ و هدفمند در بستر نظام بین‌المللی حقوق بشر، مسئله‌ای است که غالباً مورد غفلت واقع شده است. در این میان علاوه بر اینکه توسعه انسانی یکی از ارکان توسعه پایدار دانسته شده است، درک تأثیر آموزش به عنوان یکی از عمده شاخص‌های توسعه پایدار قابل تأمل است.

آنچه در تبیین جایگاه مؤلفه‌های توسعه پایدار باید گفت، آنست که این مؤلفه‌ها خود به عنوان حقوق و آزادی‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند و ذاتاً مطلوب هستند، بنابر این، باید توجه داشت که عمده منابع حقوقی حق بر توسعه که توسعه پایدار یکی از ابعاد اصلی این حق در نظر گرفته می‌شود، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. با وجود اینکه عمدتاً چنین قطعنامه‌هایی فاقد ضمانت اجرا هستند و الزام آور به شمار نمی‌آیند و صرفاً در میان منابع حقوق بین‌الملل احصاء شده‌اند، لکن از سوی دیگر بنظر نگارنده چون قطعنامه‌های مزبور انعکاس افکار عمومی جهان بوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و در دراز مدت اثر حقوقی خواهند داشت یا حداقل به عنوان عرف بین‌المللی قابلیت استناد پیدا خواهند نمود. چرا که این قطعنامه‌ها اعلام‌کننده اصول و قواعد عرفی یا قواعدی هستند که برای اکثریت دول الزام آورند و با تعداد آرای قابل توجهی نیز در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده‌اند. لذا می‌توان آنها را تأیید مجدد آن قواعد بشمار آورد و از این رو، دولت‌ها را پایبند به تعهدات ناشی از منابع مذکور دانست.^۱ در کنار این منابع، مهمترین عامل تحقق توسعه پایدار؛ آموزش حقوق بشر است، چرا که در تنظیم سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، نقش کلیدی ایفاء می‌نماید. به طور کلی ارتقای کیفیت آموزش به ویژه در حوزه سلامت و شاخص‌های مربوط به بهداشت عمومی در جوامع انسانی، ارتباط مستقیمی با توسعه پایدار دارد. واقعیتی که بر وابستگی متقابل و تفکیک‌ناپذیر کل حقوق بشر تأکید می‌کند.

در واقع بر اثر بهبود کیفیت آموزش، وضعیت پزشکی و بهداشتی در سراسر جهان دچار تحول می‌گردد و جمعیت جهان به طرز بی‌سابقه‌ای کنترل خواهد شد. افزایش میزان امید به زندگی نیز از دیگر نتایج ارتقای سطح آموزش حقوق بشر است، لذا هرچند اینگونه موارد ارتقای

^۱ - به عقیده برخی اعلامیه حق بر توسعه در شمار قطعنامه‌های اخیرالذکر جای می‌گیرد. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (Niavrani, 2010: 389).

شاخص‌های توسعه پایدار را در پی دارد، اما باید توجه داشت که جمعیتی که به واسطه ارتقای این شاخص‌ها برای مدت بیشتری زندگی می‌کند، چه نیازهایی دارد. زیرا، توسعه پایدار می‌خواهد جامعه‌ای سالم برای همه ایجاد شود. در واقع کیفیت زندگی از طریق ارائه آموزش‌های لازم، همان روح فرآیند توسعه پایدار است (Salomon, 2003: 6)

کشورهای در حال توسعه به شدت در تضمین فاکتورهایی چون دستیابی به بهداشت و رفح نیازهای مرتفع نشده مربوط به تنظیم خانواده، نرخ بالای مرگ و میر کودک و مادر، تأثیر پذیری بالا از رشد ویروس‌هایی مانند ایدز و بر خورداری از تحصیل، عملکرد ضعیفی نشان می‌دهند. وجود چنین مشکلات مهمی در میان جمعیت‌های رشد کننده با سرعت بالا، فشار فزاینده‌ای را بر منابع اندک مالی ایجاد می‌نماید که حل آن به نوع دیگری از سیاست گذاری‌ها نیازمند است. این تغییرات می‌تواند چالش‌ها و همین‌طور فرصت‌هایی را به همراه داشته باشد که در فرآیند توسعه پایدار باید مورد توجه واقع شود. به طور کلی کشورها باید از سیاست‌های تقویت کننده با توزیع مناسب درآمدهای ملی به نفع گروه‌های آسیب پذیر و غیر فعال از طریق سیستم‌های تأمین اجتماعی جامع برای نمونه از طریق اقدامات حمایت شغلی؛ دسترسی به خدمات بهداشت عمومی و حمایت اجتماعی را فراهم نمایند (Zanjani & et.al, 2000: 102). زمانی که ساختار جمعیتی به نوعی با نسبتی بزرگتر از افراد سالخورده رو به رو است، لزوم تضمین مشارکت این افراد در فرآیند توسعه پایدار ضرورت پیدا می‌کند. این مسئله در متون و اسناد گوناگونی مورد توجه و تأکید واقع شده است که رسیدن به توسعه پایدار نیاز به تقویت آموزش حقوق بشر خواهد بود (Zanjani & et.al, 2000: 103).

۳-۲- نشاط اجتماعی، محور توسعه انسانی

نشاط اجتماعی با موضوع حق بر سلامت و بهداشت عمومی مرتبط است؛ ضمن اینکه بهبود کیفیت زندگی افراد از اهداف نهایی توسعه انسانی محسوب می‌شود و رضایتمندی و خشنودی افراد جامعه به عنوان معیاری برای ارزیابی کیفیت شرایط زندگی تلقی می‌گردد، روحیه نشاط اجتماعی به دلیل همبستگی بالایی که با موضوعات مشارکت و انسجام اجتماعی دارد، نقش قابل تأملی در پیشبرد فرآیند توسعه انسانی ایفا می‌کند. شادکامی در این معنا به جای اصطلاحات «خوب بودن» یا «کیفیت زندگی» به کار می‌رود. این موضوع اخیراً مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است؛ چنان که کمیسیون ارزیابی عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی اشاره می‌کند، تأکید بر خشنودی مهم است؛ زیرا، به نظر می‌رسد شکاف در حال افزایشی میان داده‌های جمع آوری شده تولید ناخالص داخلی و آنچه خوشبختی مردم دانسته می‌شود، وجود دارد (Veenhoven, 2012: 63).

ایجاد محیطی برای بهبود وضعیت خشنودی و سعادت مردم، خود یک هدف توسعه انسانی محسوب می شود و شکی نیست که دولت‌ها باید در اولویت‌های خود تجدیدنظر نمایند. در جولای ۲۰۱۱ م.، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب نمود که طی آن از دولت‌های عضو خواسته شد که میزان نشاط مردمان خود را ارزیابی کنند تا از این عامل برای هدایت سیاست‌گذاری‌های عمومی، استفاده شود.^۲

به نظر می‌رسد که استفاده از رویکرد توسعه انسانی و نشاط اجتماعی به عنوان مکمل، نقش عمده‌ای در تدارک سیاست‌ها و پیشرفت‌های اجتماعی ایفا می‌کند. اما مشکلات سلامت روان در میان متغیرهای مختلف، مهم‌ترین متغیر ناکامیابی مردم به شمار می‌رود؛ به عبارتی این عامل، جدی‌تر از بیماری جسمی، و نقش تأثیرگذارتری نسبت به درآمد و بیکاری ایفا می‌کند. گزارش‌ها حاکی از آنست که هیچ دولتی بیش از ۱۵ درصد بودجه بهداشت و درمانش را صرف مراقبت‌های بهداشت روان نمی‌کند، لکن امروزه با توجه به چالش کشیده شدن فاکتورهای پیشرفت اجتماعی موجود و تلاش برای مطالعه موضوع نشاط اجتماعی، فرصتی ایجاد شده مبنی بر اینکه جوامع در مورد این بیماران بیشتر عمل کنند و سهم بیشتری از بودجه بهداشتی‌شان را به این حوزه اختصاص دهند. به خصوص اینکه بر اساس بررسی‌های به عمل آمده معضلات روانی عمده عامل ناکامیابی در زندگی تلقی شده است و اگر جهان شادتری می‌خواهیم عدم توجه به نیازهای روان، دستیابی به پیشرفت‌های بعدی را دشوار خواهد کرد.^۳

نتیجه‌گیری

آموزش حقوق بشر در حوزه سلامت و بهداشت عمومی دربردارنده مجموعه‌ای از آموزش‌ها در جهت ایجاد آگاهی افراد نسبت به مسایل بهداشتی، آشنایی با تضمیناتی جهت مقابله با نقض حق مذکور و توسعه زمینه‌های رعایت چنین حقی است. باید توجه داشت همانگونه که در خصوص اهمیت حق بر سلامت و بهداشت عمومی در نظام بین‌الملل حقوق بشر جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است، آموزش حقوق بشر نیز در اسناد بین‌المللی و جهانی حقوق بشر از موقعیت خاصی برخوردار است. نقش آموزش در تضمین حق بر سلامت و بهداشت عمومی به عنوان یک موضوع جدی پیرامون سلامت جوامع انسانی غیر قابل انکار است.

در اعلامیه‌های بین‌المللی نظیر دستور کار ۲۰۳۰ یونسکو، امر آموزش در حوزه سلامت و بهداشت عمومی به عنوان حقی انسانی مورد شناسایی واقع شده است. بنظر می‌رسد دولت‌ها با

^۲ - UNGA, Happiness: Towards a Holistic Approach to Development, General Assembly Resolution, A/RES/65/309, 19 July 2011

^۳ - www.stiglitzsenfitoussi.fr/documents/rapport_anglais.pdf, Last visited, 2019/02/29.

پذیرش سند مزبور باید در مکانیسم‌های قانونی داخلی خود پیرامون اجرای حق مزبور تغییراتی ایجاد نمایند. به همین منظور دولت‌ها بایستی با تخصیص بودجه لازم، برنامه‌های آموزش بهداشت عمومی و ارتقاء سلامت شهروندان را تأمین نمایند. در این خصوص، کشور ما نیز می‌تواند از طریق آموزش متخصصان سلامت و بهداشت و استفاده از نیروی انسانی زُده جهت ارتقای حق مزبور گام‌های مؤثری بردارد.

در این میان نقش بازیگرانی غیر دولت‌ها نظیر آژانس‌های بین‌المللی و سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد، بویژه نقش کلیدی سازمان جهانی بهداشت در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی و حتی سازمان‌های مردم نهاد بسیار پر اهمیت است. لذا دولت‌های عضو باید به هنگام تنظیم و اجرای راهبردهای ملی حق بر سلامت و بهداشت عمومی و نیز در تدوین و توسعه شاخص‌ها و تهیه گزارشات خود از اطلاعات گسترده و خدمات مشاوره‌ای نهادهای مزبور استفاده نمایند.

بنابر این، باید گفت ارتباط ناگسستگی میان آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی وجود دارد و نمی‌توان این دو را از یکدیگر جدا دانست. و از نظر نگارندگان کشورهایایی که به این امر توجه نمی‌نمایند با توجه به ماده ۱۴ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتکب نقض تعهد بین‌المللی شده‌اند، چرا که شهروندان خود را از بدیهی‌ترین حقوق خود که حق بر آموزش در چارچوب سلامت و بهداشت عمومی است محروم نموده‌اند. در نتیجه باید از اصول و راهکارهای آموزش حقوق بشر در زمینه سلامت و بهداشت عمومی به منظور ایجاد تغییرات مثبت و نیز دستیابی به توسعه پایدار استفاده کرد. این آموزش به افراد و دولت‌ها کمک می‌کند که دریابند حق بر سلامت و بهداشت عمومی یک حق بنیادین بشری است که با رویکرد حق محوری آن، پایداری توسعه را برای جوامع انسانی به ارمغان می‌آورد.

Reference

- Amir Arjmand, Ardeshir (2007), *International Documents Collection of Human Rights*, Part I, Global Documents, by UNESCO Chair on Human Rights, Peace and Democracy, Shahid Beheshti School of Law, Second Edition. [Persian]
- Ansari, Bagher (2009), *Human Rights Education*, Tehran, Majd Scientific and Cultural Assembly. [Persian]
- Bowering, Bill (2012), "Human Rights and Public Education", *Cambridge Journal of Education*, Vol. 42, No. 1.
- Christie, P. (2010), "The complexity of human rights in global times: The case of the right to education in South Africa", *International Journal of Educational Development*,

Vol. 30, No. 1.

- Dixon, Martin (2018), *An Introduction to International Law*, Translated and Edited by Dr. Mehdi Zakarian and Hassan Saeed Kalahi, Khorsandi Publications, Tehran, Second Edition. [Persian]
- Eslami, Reza & Others, (2014), *Human Rights Education*, Majd Scientific and Cultural Assembly, Tehran, First Edition. [Persian]
- *GA Res.48/127,48Sess.*
- Gerber, Paula (2011), "Education about Human Rights: Strengths and Weaknesses of the UN Declaration on Human Rights Education and Training", *Alternative Law Journal*, Vol. 36, No. 4.
- http://applications.emro.who.int/dsaf/emrpub_2012_en_1362.pdf, Last Visited 2019/2/10.
- http://assembly.coe.int/committee/MON/Role_E.pdf, Last Visited 2019/02/15
- <http://www.unesco.se/wp-content/uploads/2015/12/Framework-for-Action-2030.pdf>, Last Visited 2019/2/10
- http://www.unsiap.or.jp/e-learning/el_material/PSS/1810, Last Visited 2019/02/15.
- https://download.ei-ie.org/Docs/WebDepot/2016_RigaSymposium_BackgroundPaper_EN.pdf, Last visited 2019/1/4
- <https://www.humanium.org/en/right-to-education/>, Last Visited 2019/2/10.
- https://www.stiglitzsenfitoussi.fr/documents/rapport_anglais.pdf, Last visited, 2019/02/29.
- https://www.unesco.org/en/ev.phpURL_ID=13161&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html, Last Visited 2019/02/13.
- Jayasurya, Gautam (2012), "Right to Education: The Past, Present and Future", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1615699orhttp://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1615699>
- Kalantry, Sital and Getgen Kestenbaum, Jocelyn and Koh, Stephen Arrigg (2010), "Enhancing Enforcement of Economic, Social and Cultural Rights Using Indicators: A Focus on the Right to Education in the ICESCR", *Human Rights Quarterly*, Vol. 32.
- Marks, Stephen P. (2005), "The Human Rights Framework for development: seven Approaches in <http://www.hsph.harvard.edu/fxcenter>.
- Mehrpour, Hossein (2009), *Human Rights and Implementation Strategies*, Tehran, Information Publication, Second Edition. [Persian]

- Navab Daneshmand, Fariba (2007), "A Review of Some Human Rights Education Methods", *Law Journal, Center Journal, International Legal Affairs and Presidential Affairs*, No. 37. [Persian]
- Niavrani, Saber (2010), "The Right to Education in the International Human System", *Legal Research*, No. 52. [Persian]
- Rezaei, Sohrab (2005), *Alphabet of Human Rights Education*, Abed Publications, Tehran. [Persian]
- Salomon, Gavriel (2003), "Does Peace Education Make a Difference in the Context of an Intractable Conflict?" *Center for Research on Peace Education*.
- Singer, Michael (1997), *The Future of International Human Rights*, Washington, Internatinal Rule of Law.
- Tomaevski, K. (2001), *Human Rights Obligations: Making Education Available, Accessible, Acceptable and Adaptable*, Right to Education Primers No. 3 Swedish International Development Cooperation Agency.
- UNGA, Happiness: Towards a Holistic Approach to Development, *General Assembly Resolution*, A/RES/65/309, 19 July 2011
- Veenhoven, R. (2012), "Happiness: Also Known as "Life Satisfaction" and "Subjective Well-Being", in: *Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research*, Springer Netherlands.
- White Franklin and DJ. Nanan (2008), *International and Global Health*, in Wallace RB, N. Kohatsu (Eds): Max-cy-Rosenau-Last. Public Health and Preven-tive Medicine. 15th Ed. New York, McGraw Hill.
- White, Franklin (2015), "Primary Health Care and Public Health: Foundations of Universal Health Systems", *Medical Principles and Practice*, Vol. 24, No. 2.
- Willmore, L. (2004), *Basic Education as a Human Right*, Economic Affairs, Oxford: Blackwell Publishing.
- Zanjani, Habibollah and Others (2000), *Community Development and Reproductive Health*, Human Publication, Second Edition. [Persian]
- White Franklin, L. Stallones and JM. Last (2013), *Global Public Health – Ecological Foundations*, New York, Oxford University Press, Chapt 6: Inte-grated Approaches to Disease Prevention and Control.